با ایران توشه
یک قدم جلوتر
باش!



ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

ایران توشه، مرجع دانلود فایل های کمک آموزشی دانش آموزان و کنکوری ها

همه چیز
برای موفقیت
تو!

- دانلود رایگان آزمون های آزمایشی قلمچی، خیلی سبز، گاج و ...
- دانلود رایگان گام به گام تمامی دروس
- دانلود رایگان نمونه سوالات امتحانی (نوبت اول و دوم) و امتحانات نهایی
- دانلود رایگان جزوه های کمک آموزشی و شب امتحانی

کافیست هر فایلی که نیاز دارید را در گوگل به این صورت جستجو کنید:

فایل مورد نیاز + ایران توشه

مثال:

دانلود گام به گام دوازدهم تجربی ایران توشه



irantooshe.ir

t.me/irantooshe

گام به گام نگارش نهم

پاسخ فعالیت‌ها و پرسش‌های کتاب نگارش پایهٔ نهم

شامل پاسخ فعالیت‌ها، درست‌نویسی، تصویرنویسی، حکایت‌نگاری و مثل‌نویسی

irantooshe.ir

فهرست درس‌ها و پرسش‌ها

۱ درس اول: با ذهنی «نظام‌مند» و «پرورده» بنویسیم

- بخش‌های اصلی متن «درخت» ص ۱۵
- شناخت راه‌های پرورش فکر در هفت نمونه ص ۱۷
- ساختمان نوشتهٔ «سیاه کوچک» ص ۲۰
- طراحی نقشهٔ ذهنی و نوشتن دربارهٔ «فیل و فنجان» ص ۲۱
- کاربرد نادرست «توسط» ص ۲۳
- داخل یک اتوبوس شلوغ ص ۲۴

۲ درس دوم: واژه‌ها را بشناسیم، گزینش کنیم و به کار بگیریم

- نقشهٔ ساختمان و نقشهٔ نوشته ص ۲۵
- شیوه‌های کاربرد واژگان در متن «برادران» ص ۳۰
- نوشتن با انواع کاربرد واژگان ص ۳۱
- حذف نادرست فعل ص ۳۳
- بازنویسی حکایت «دزد و پیراهن» به زبان ساده ص ۳۴

۳ درس سوم: نوع زبان نوشته را انتخاب کنیم

- تفاوت دو نوشتهٔ «کتاب» ص ۳۶
- تشخیص نوع زبان نوشته ص ۳۹
- نوشتن با زبان عادی و ادبی دربارهٔ یک موضوع ص ۴۱
- کاربرد نادرست «یت» با واژهٔ فارسی ص ۴۳
- بازآفرینی مَثَل «کوه به محمد نمی‌آید» ص ۴۴

۴ درس چهارم: فضا و رنگ نوشته را تغییر دهیم

- تشخیص فضای نوشته (طنز یا غیرطنز) ص ۵۳
- نوشتن با فضای غیرطنز و طنز دربارهٔ یک موضوع ص ۵۵
- ناهماهنگی کلمه‌های قطعیت و تردید ص ۵۷
- درون یک فضاپیما روی کرهٔ ماه ص ۵۸

۵ درس پنجم: نوشته را خوش آغاز کنیم؛ زیبا به پایان ببریم و نیکو نام‌گذاری کنیم

- شیوهٔ آغاز و پایان نوشته‌ها ص ۶۵
- نوشتن با آغاز و پایان مناسب و انتخاب نام ص ۶۷
- جمله‌های ساده و کوتاه به‌جای فعل‌های مرکب ص ۶۹
- بازنویسی حکایت «طبیب و نان سوخته» به زبان ساده ص ۷۰

۶ درس ششم: قالبی برای نوشتن برگزینیم

- تشخیص قالب نوشته ص ۷۹
- نوشتن دربارهٔ یک موضوع در یک قالب نوشتاری ص ۸۱
- پرهیز از دو واژهٔ هم‌معنا ص ۸۳
- بازآفرینی مَثَل «فضول را به جهنم بردند» ص ۸۴

۷ درس هفتم: وسعت و عمق نوشته را بیشتر کنیم

- فهرست کتاب‌های خوانده‌شده و نکته‌های آموخته ص ۸۸
- تأثیر مطالعه در گستردگی و عمق نوشته «ستایشگران خدا» ص ۹۲
- گستردگی و عمق بخشیدن به یک موضوع ص ۹۳
- کاربرد نادرست نشانه‌های ربط و متمم ص ۹۵
- نوشتن دربارهٔ درختی با ریشه‌های در ابر ص ۹۶

۸ درس هشتم: نوشته را ویرایش کنیم

- بخش‌های قابل ویرایش نوشتهٔ «نقش‌های ما» ص ۱۰۳
- ویرایش و پاک‌نویس نوشتهٔ طنز «هواپیما» ص ۱۰۴
- پرهیز از جمله‌های بلند و دشوار ص ۱۰۶
- بازنویسی حکایت «عیادت» به زبان ساده ص ۱۰۷

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.

irantooshe.ir

درس اول

با ذهنی «نظام‌مند» و «پرورده» بنویسیم

از صفحهٔ ۱۳ تا صفحهٔ ۲۴ کتاب

کار کلاسی — صفحهٔ ۱۵ کتاب

بخش‌های اصلی متن «درخت»

پرسش:

- متن «درخت» را بخوانید و بخش‌های اصلی (آغازین، میانی و پایانی) آن را مشخص کنید.

پاسخ:

ساختمان متن «درخت»

بخش	جمله‌ها یا بندهای متن
آغازین	بند اول: «وقتی زمستان به پایان می‌رسد، ساقهٔ سبزرنگ و صافی، سر از خاک بیرون می‌آورد ... اما هیچ‌کس آن را درخت حساب نمی‌کند.»
میانی	بندهای دوم تا پنجم: رشد تدریجی درخت و شاخه‌ها، شکل‌های گوناگون شاخه‌ها، تأثیر عوامل طبیعی (باد، طوفان، برف، موریانه) بر شکل درخت و تفاوت پوست درختان.
پایانی	بند آخر: «جالب است که این درختان عظیم‌الجثه و گوناگون و شگفت‌آور از دل یک دانهٔ کوچک بیرون می‌آیند.»

کار کلاسی — صفحهٔ ۱۷ کتاب

شناخت راه‌های پرورش فکر در هفت نمونه

پرسش:

- نمونه‌ها را بخوانید و بگویید نویسنده برای پروراندن نوشتهٔ خود، کدام‌یک از راه‌های پرورش فکر را بیشتر به کار گرفته است.

پاسخ:

راه پرورش فکر در هر نمونه

نمونه	راه پرورش فکر	دلیل
۱ (پرتقال خونی)	ببوییم، بچشیم و لمس کنیم	نویسنده با «بوی خوب»، «بوی میوه، دود، برنج آبکش‌کرده و خاک» از حس بویایی بهره گرفته است.
۲ (پیرمرد و دریا)	ببینیم و بنویسیم	ماهی، دُم، تیغه و رنگ آب و نوارهای ارغوانی پشت ماهی با دقت دیده و توصیف شده است.
۳ (وقتی زمان ایستاد)	گوش بدهیم و بنویسیم	نوشته بر پایهٔ شنیدن «صدای خرچ‌خروچ» در تاریکی ساخته شده است.
۴ (جاناتان، مرغ دریایی)	با سنجش و مقایسه آسان‌تر بنویسیم	هدف بیشتر مرغان دریایی (چنگ‌زدن به طعمه) با هدف جاناتان (پرواز) مقایسه شده است.
۵ (کرگدن ارزان)	دگرگونه ببینیم و گونه‌گون بنویسیم	کرگدن به‌گونه‌ای تازه دیده شده است: به‌جای چوب‌لباسی و نگهبان ورقهٔ امتحانی.
۶ (دفتر خاطرات حیوانات)	با جانشین‌سازی راحت‌تر بنویسیم	نویسنده خود را جای یک موش آزمایشگاهی گذاشته و از زبان او نوشته است.

irantooshe.ir

۷ (یک قصهٔ قدیمی)	افکار و گفتارمان را بنویسیم نوشته به زبان محاوره و به‌شیوهٔ حرف‌زدن و قصه‌گفتن مردم نوشته شده است.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

فعالیت نگارشی ۱ — صفحهٔ ۲۰ کتاب

ساختمان نوشتهٔ «سیاه کوچک»

پرسش:

- ساختمان نوشتهٔ زیر («سیاه کوچک») را مشخص کنید و بگویید نویسنده از کدام شیوه‌های پرورش ذهن بهره گرفته است.

پاسخ:

ساختمان نوشته

بخش	توضیح
آغازین	با پرسش‌هایی دربارهٔ کلاغ آغاز می‌شود: «کلاغ‌ها را چگونه می‌بینی؟ صدایشان را چگونه می‌شنوی؟ کلاغ زیباتر است یا بلبل؟»
میانی	ناراحتی کلاغ از ظاهر و صدای خود و گفت‌وگوی او با خدا؛ خدا او را به خواندن و بروز دادن زیبایی‌اش دعوت می‌کند.
پایانی	کلاغ می‌خواند، جهان زیبا می‌شود، آسمان لبخند می‌زند و ابرها از شوق می‌گریند.

شیوه‌های پرورش ذهن:

- جانشین‌سازی: کلاغ مانند انسان احساس دارد، گله می‌کند و حرف می‌زند؛ خدا هم با او گفت‌وگو می‌کند.
- سنجش و مقایسه: زیبایی کلاغ با بلبل و آواز آن‌ها مقایسه شده است.
- دگرگونه دیدن: سیاهی کلاغ، «مرکبی» است که زیبایی با آن نوشته می‌شود؛ نه عیب.
- دیدن و شنیدن: توصیف آسمان آبی، ابرهای سیاه و سفید و خورشید، و سخن‌گفتن دربارهٔ صدا و آواز.

فعالیت نگارشی ۲ — صفحهٔ ۲۱ کتاب

طراحی نقشهٔ ذهنی و نوشتن دربارهٔ «فیل و فنجان»

پرسش:

- یکی از موضوع‌های زیر را انتخاب کنید و پس از طراحی نقشهٔ ذهنی، به کمک یکی از راه‌های پرورش فکر، متنی دربارهٔ آن بنویسید.
- موضوع: گذر رودخانه ـ آدم فضایی ـ اذان ـ شانس ـ فیل و فنجان

پاسخ:

موضوع انتخابی: فیل و فنجان (راه پرورش فکر: جانشین‌سازی)

نقشهٔ ذهنی

بخش	ایده
آغاز	فیلی که می‌خواهد در یک فنجان چای بنوشد
میانه	بزرگی فیل و کوچکی فنجان؛ حس فیل؛ تلاش‌ها و راه‌حل
پایان	فیل از فنجان لذت می‌برد و می‌فهمد اندازه مهم نیست

متن:

irantooshe.ir

من یک فیل‌ام. امروز صبح فنجان کوچکی را دیدم که روی میز بود و بوی چای تازه می‌داد. خرطومم را جلو بردم؛ نمی‌دانید چقدر کوچک بود! می‌ترسیدم با یک نفس آن را بشکنم. با خودم گفتم: «من این‌قدر بزرگ و آن این‌قدر کوچک، چطور با هم دوست شویم؟» آرام خرطومم را در فنجان فرو بردم و جرعه‌ای نوشیدم. چای، گرم و شیرین بود. دیدم لذت چای به اندازهٔ فنجان نیست، به اندازهٔ دل آدم است. از آن روز فهمیدم که کوچک‌ها هم می‌توانند دل بزرگ‌ها را پر کنند. آیا شما هم فنجان کوچکی را می‌شناسید که دلتان را شاد کرده باشد؟

درست‌نویسی

صفحهٔ ۲۳ کتاب

کاربرد نادرست «توسط»

پرسش:

- جمله‌های زیر را ویرایش کنید.
- کتاب‌های ارزشمند گلستان و بوستان، توسط سعدی نوشته شد.
- این متن‌های زیبا، توسط دانش‌آموزان نوشته شده است.

پاسخ:

- سعدی کتاب‌های ارزشمند گلستان و بوستان را نوشت.
- دانش‌آموزان این متن‌های زیبا را نوشته‌اند.

هرگاه نهاد جمله مشخص باشد، به‌جای «توسط» جمله را به‌صورت معلوم می‌نویسیم.

تصویرنویسی

صفحهٔ ۲۴ کتاب

داخل یک اتوبوس شلوغ

پرسش:

- داخل یک اتوبوس شلوغ را تصور کنید و تصویر ذهنی خود را بنویسید.

پاسخ:

اتوبوس مثل جعبه‌ای پر از آدم بود. بوی عرق و بوی نان تازه با هم قاطی شده بود. پیرمردی با عصای خود به میلهٔ وسط چسبیده بود و نوجوانی، کیف سنگینش را بغل کرده بود. کسی از ته اتوبوس فریاد زد: «آقا، جلوتر بروید!» و راننده با صدای بلند گفت: «جا هست، فقط کمی لطف کنید.» شیشه‌ها بخار کرده بودند و کودکی روی آن‌ها نقاشی می‌کشید. هر ایستگاه که می‌رسید، در باز می‌شد و موجی از آدم‌ها وارد و خارج می‌شد. با همهٔ شلوغی، لبخند دختری که جایش را به پیرزنی داد، فضا را گرم کرد.

درس دوم

واژه‌ها را بشناسیم، گزینش کنیم و به کار بگیریم

از صفحهٔ ۲۵ تا صفحهٔ ۳۴ کتاب

هم‌اندیشی

صفحهٔ ۲۵ کتاب

نقشهٔ ساختمان و نقشهٔ نوشته

پرسش:

- آیا مهندس ساختمان، این نقشه را بدون فکر و تأمل طراحی کرده است؟
- به نظر شما، چه عواملی به ذهن مهندس، کمک کرده تا نقشهٔ ذهنی او شکل بگیرد؟

irantooshe.ir

- پس از طراحی نقشه و نهایی‌شدن آن، برای بناکردن ساختمان، چه مواد و مصالحی نیاز داریم؟

پاسخ:

1. خیر. مهندس پس از فکر و بررسی نیازها، اندازهٔ زمین و امکانات، نقشه را کشیده است.
2. دانش و تحصیلات، تجربه و مطالعهٔ نقشه‌های دیگر، نیاز و خواستهٔ صاحب‌خانه، اندازه و شکل زمین، بودجه و قوانین شهرسازی.
3. آجر، گچ، سیمان، شن، ماسه، آهن، چوب، شیشه و ... . در نوشتن نیز پس از طراحی نقشهٔ ذهنی، به «واژه‌ها» به‌عنوان مصالح نیاز داریم.

فعالیت نگارشی ۱ — صفحهٔ ۳۰ کتاب

شیوه‌های کاربرد واژگان در متن «برادران»

پرسش:

- متن را بخوانید و شیوه‌های کاربرد واژگان را در آن نشان دهید.

پاسخ:

شیوه‌های کاربرد واژگان

نوع کاربرد	نمونه‌ها
واژه‌های مترادف	اول سال ـ آغاز بهار؛ رابطه ـ ارتباط؛ غبار ـ کدورت؛ قربانتان بشوم ـ قربان‌صدقه رفتن
واژه‌های متضاد	قهر # آشتی؛ رفاقت # کدورت؛ گسیخت (جدا شد) # پیوند؛ دیروز # امروز/حالا
ظرفیت شبکهٔ معنایی	(قهر، آشتی، کدورت، رفاقت، رابطه، ارتباط، دوستی)؛ (چلوپلو، دیشلمه، خوردن)؛ (کارد، پنیر)
گسترش واژه	غبار کدورت‌ها؛ آب رفاقت؛ قال قضیه؛ کارد و پنیر شدن؛ بیخ پیدا کردن؛ شکرآب شدن؛ ارتباط تنگاتنگ
تنوع فعل‌ها	قهر بودند، آشتی کردند، می‌خوردید، فوت می‌کردید، می‌رفتید، شده‌اید، برخیزید، شسته، ماچ نموده، بکنید، می‌خواهیم، برویم، برسیم، پیدا کرد، شد، گسیخت

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

فعالیت نگارشی ۲ — صفحهٔ ۳۱ کتاب

نوشتن با انواع کاربرد واژگان

پرسش:

- به دلخواه، موضوعی را برگزینید و هنگام نگارش از همهٔ گونه‌های کاربرد واژگانی (مترادف، متضاد، شبکهٔ معنایی، گسترش واژه و تنوع افعال) بهره بگیرید.

پاسخ:

موضوع: کتاب

> کتاب، دوست مهربان و همراه هر روز من است. این یار دانا، هرگاه اندوهگین باشم، مرا شاد می‌کند و هنگامی که شاد باشم، با من می‌خندد. آدم‌ها گاهی خسته می‌شوند و می‌روند، اما کتاب هرگز از ما رو برنمی‌گرداند. کتاب در برگ‌هایش دنیایی از واژه، جمله، بند و داستان دارد. آن را باز می‌کنم، می‌خوانم، می‌اندیشم و سفر می‌کنم. کتاب خوب مانند باغی است که هر صفحه‌اش گلی می‌دهد و هر سطرش بویی تازه می‌بخشد. هر که با کتاب هم‌نشین شود، چراغی در دل برمی‌افروزد و از تاریکی نادانی دور می‌ماند.

- مترادف: دوست ـ یار؛ می‌اندیشم ـ فکر می‌کنم؛ سفر ـ گردش
- متضاد: اندوهگین # شاد؛ روشنی # تاریکی؛ می‌روند # می‌مانند

irantooshe.ir

- شبکهٔ معنایی: کتاب، برگ، صفحه، سطر، واژه، جمله، بند، داستان
- گسترش واژه: باغ کتاب، چراغ دل، تاریکی نادانی
- تنوع افعال: است، می‌کند، می‌روند، باز می‌کنم، می‌خوانم، برمی‌افروزد، می‌ماند

درست‌نویسی — صفحهٔ ۳۳ کتاب

حذف نادرست فعل

پرسش:

- جمله‌های زیر را ویرایش کنید.
- آرمان، به دریچهٔ سحرآمیز نگاه و وارد آن شد.
- شغال شکمو، داخل باغ و از انگورهای آن خورد.

پاسخ:

- آرمان به دریچهٔ سحرآمیز نگاه کرد و وارد آن شد.
- شغال شکمو وارد باغ شد و از انگورهای آن خورد.

فعل را فقط وقتی می‌توان حذف کرد که دقیقاً تکرار شده باشد؛ دو فعل متفاوت جانشین هم نمی‌شوند.

حکایت‌نگاری — صفحهٔ ۳۴ کتاب

بازنویسی حکایت «دزد و پیراهن» به زبان ساده

پرسش:

- حکایت را بخوانید و به زبان ساده بازنویسی کنید.

پاسخ:

> پسری پیراهن پدرش را دزدید، آن را به بازار برد و فروخت. وقتی پدر پیراهنش را در بازار دید و ماجرا را فهمید، از پسر پرسید: «پیراهن را به چه قیمتی فروختی؟» پسر گفت: «به همان قیمتی که شما خریده بودید!»

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

درس سوم

نوع زبان نوشته را انتخاب کنیم

از صفحهٔ ۳۵ تا صفحهٔ ۴۴ کتاب

کار کلاسی — صفحهٔ ۳۶ کتاب

تفاوت دو نوشتهٔ «کتاب»

پرسش:

- دو متن دربارهٔ کتاب را بشنوید و تفاوت‌های آن‌ها را یادداشت کنید.

پاسخ:

مقایسهٔ دو نوشته

ویژگی	نوشتهٔ اول (عادی)	نوشتهٔ دوم (ادبی)

irantooshe.ir

معنای واژه‌ها در معنای اصلی خود به کار رفته‌اند		در معنایی غیر از معنای اصلی (مجازی) به کار رفته‌اند
کتاب	همان کتاب است	موجودی جاندار است که لبخند می‌زند، حرف می‌زند و احساس دارد
آرایه‌های ادبی	ندارد	دارد (تشخیص، تشبیه و ...)
هدف	آگاهی‌دادن	آگاهی‌دادن و برانگیختن احساس و عاطفهٔ خواننده
میزان اغراق	به واقعیت نزدیک است	همراه با اغراق و خیال‌انگیز است

فعالیت نگارشی ۱ — صفحهٔ ۳۹ کتاب

تشخیص نوع زبان نوشته

پرسش:

- نوع زبان نوشته‌های زیر را مشخص کنید.

پاسخ:

نوع زبان

نوشته	نوع زبان	دلیل
۱ (عبارت‌های تأکیدی)	عادی	واژه‌ها در معنای اصلی‌اند و هدف آگاهی‌دادن و توصیهٔ مستقیم است.
۲ (آدم)	ادبی	قصه‌گویی، تخیل و خیال‌انگیزی دارد؛ کوه و درخت و دریا «گوش می‌دهند» و خدا «دلش می‌سوزد».
۳ (ارزش‌ها)	عادی	بدون آرایه و اغراق، با هدف دادن اطلاعات و بیان باور نوشته شده است.

فعالیت نگارشی ۲ — صفحهٔ ۴۱ کتاب

نوشتن با زبان عادی و ادبی دربارهٔ یک موضوع

پرسش:

- موضوعی را به دلخواه انتخاب کنید؛ یک بار به زبان «عادی» و بار دیگر به زبان «ادبی» دربارهٔ آن بنویسید.

پاسخ:

موضوع: باران

نوشتهٔ عادی:

> باران از بخار آب ابرها پدید می‌آید. وقتی بخار آب در هوای سرد به قطره‌های آب تبدیل می‌شود، به‌صورت باران بر زمین می‌بارد. باران برای کشاورزی و پر شدن رودخانه‌ها و دریاچه‌ها اهمیت دارد.

نوشتهٔ ادبی:

> باران، نامهٔ آسمان به زمین است. ابرها با دست‌های خیس و مهربانشان، قطره‌قطره سلام آسمان را به خاک تشنه می‌رسانند. زمین با هر قطره لبخندی تازه می‌زند و گل‌ها در آغوش باران، بیدار می‌شوند.

درست‌نویسی — صفحهٔ ۴۳ کتاب

irantooshe.ir

کاربرد نادرست «یت» با واژهٔ فارسی

پرسش:

- جمله‌های زیر را ویرایش کنید.
- خوبیت دارد، کتاب مفید را بعد از خواندن، به دیگران هدیه کنیم.
- ایرانیت برای تک‌تک ما، مایهٔ غرور و افتخار است.

پاسخ:

- خوبی دارد، کتاب مفید را بعد از خواندن، به دیگران هدیه کنیم.
- ایرانی‌بودن برای تک‌تک ما، مایهٔ غرور و افتخار است.

نشانهٔ «ـیت» ویژهٔ واژه‌های عربی است و با واژه‌های فارسی همراه نمی‌شود.

مَثَل‌نویسی — صفحهٔ ۴۴ کتاب

بازآفرینی مَثَل «کوه به محمد نمی‌آید»

پرسش:

- مَثَل زیر را به زبان ساده بازآفرینی کنید.
- «کوه به محمد نمی‌آید، محمد به کوه می‌آید.»

پاسخ:

روزی روزگاری، محمد می‌خواست قله‌ای را که چشمش را گرفته بود از نزدیک ببیند. هر چه منتظر ماند، کوه از جایش تکان نخورد. محمد با خود گفت: «این کوه که نمی‌آید، پس من خودم می‌روم.» او کوله‌پشتی‌اش را برداشت و راه افتاد؛ به کوه رسید و از بالای آن، دنیا را تماشا کرد. از آن روز به بعد، وقتی کسی منتظر می‌ماند که کارش خودبه‌خود درست شود، می‌گفتند: «کوه به محمد نمی‌آید، محمد باید به کوه برود.» مَثَل یعنی اگر چیزی به سوی ما نمی‌آید، خودمان باید به سوی آن برویم.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

درس چهارم

فضا و رنگ نوشته را تغییر دهیم

از صفحهٔ ۴۵ تا صفحهٔ ۵۸ کتاب

فعالیت نگارشی ۱ — صفحهٔ ۵۳ کتاب

تشخیص فضای نوشته (طنز یا غیرطنز)

پرسش:

- نوشته‌های زیر را بخوانید و نوع فضا و رنگ (طنز ـ غیرطنز) هر کدام را مشخص کنید.

پاسخ:

فضای نوشته

نوشته	فضا	دلیل
۱ (لبخند تمساح)	غیرطنز	اطلاعات علمی را جدی و بدون اغراق و شوخی بیان می‌کند.
۲ (پگی کوچولو)	طنز	بیماری‌ها و جزئیات اغراق‌آمیز (تب ۱۸۰ درجه، لوزه‌های دو سنگ یک‌کیلویی) و پایان غافل‌گیرکننده.

irantooshe.ir

۳ (ملانصرالدین قرن بیست‌ویکم)	طنز	ماجراهایی خنده‌دار و غیرمنتظره؛ مثل پیداکردن حلقه و ازدواج با هر کسی که انگشتش در آن برود.
۴ (خواب خون)	غیرطنز	توصیف جدی صحنهٔ جنگ؛ فضای نوشته جدی و حماسی است.

فعالیت نگارشی ۲ — صفحهٔ ۵۵ کتاب

نوشتن با فضای غیرطنز و طنز دربارهٔ یک موضوع

پرسش:

- از میان موضوع‌های زیر، یکی را برگزینید؛ یک بار با فضای «غیرطنز» و بار دیگر با فضای «طنز» دربارهٔ آن بنویسید.
- ربات پیشخدمت ـ ماهی، در حوض قالی ـ درد دل یک موش آزمایشگاهی ـ تلفن همراه ـ سایهٔ آدم ـ انتقال خون ـ کمک به همسایه‌ها ـ ایستادن توی صف

پاسخ:

موضوع: ایستادن توی صف

غیرطنز:

> ایستادن در صف نشانهٔ احترام به حق دیگران است. وقتی همه نوبتشان را رعایت می‌کنند، کارها زودتر و آرام‌تر انجام می‌شود. صف، درس صبر و نظم است و جامعه‌ای که صف را رعایت کند، به هم احترام می‌گذارد.

طنز:

> توی صف نانوایی، آن‌قدر ایستادم که مورچه‌ای از روی کفشم رد شد، لانه ساخت و بچه‌دار شد. وقتی نوبتم رسید، نانوا گفت: «نان تمام شد!» گفتم: «پس من این هشت سال را برای چی ایستادم؟» گفت: «برای تماشای آقای پشت سرتان که از همان اول جلوتر از شما بود!»

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.

درست‌نویسی — صفحهٔ ۵۷ کتاب

ناهماهنگی کلمه‌های قطعیت و تردید

پرسش:

- جمله‌های زیر را ویرایش کنید.
- یقیناً با شما ممکن است به ورزشگاه بیایم.
- مطمئن هستم این هفته، شاید خبر خوبی به شما برسد.

پاسخ:

- حتماً با شما به ورزشگاه می‌آیم. (یا: شاید با شما به ورزشگاه بیایم.)
- مطمئن هستم این هفته خبر خوبی به شما می‌رسد. (یا: شاید این هفته خبر خوبی به شما برسد.)

در یک جمله نباید واژهٔ قطعیت (یقیناً، مطمئن) و واژهٔ تردید (ممکن است، شاید) با هم بیایند.

تصویرنویسی — صفحهٔ ۵۸ کتاب

درون یک فضاپیما روی کرهٔ ماه

irantooshe.ir

پرسش:

- درون یک فضاپیما را که روی کرهٔ ماه فرود آمده، تصور کنید و تصویر ذهنی خود را بنویسید.

پاسخ:

موتورها خاموش شدند و سکوتی سنگین در فضاپیما پیچید. فرمانده کمربند ایمنی‌اش را باز کرد و آهسته در هوا شناور شد. از پنجره‌های گرد، خاک خاکستری و دهانه‌های بی‌شمار دیده می‌شد و آسمان سیاه بود؛ با زمینی کوچک و آبی در دوردست. چراغ‌های کنترل چشمک می‌زدند و صدای نفس‌ها در کلاه‌ها می‌پیچید. یکی از فضانوردان آهسته گفت: «رسیدیم.» همه به هم لبخند زدند و دل‌هایشان از شگفتی و شادی پر شد.

درس پنجم

نوشته را خوش آغاز کنیم؛ زیبا به پایان ببریم و نیکو نام‌گذاری کنیم

از صفحهٔ ۵۹ تا صفحهٔ ۷۰ کتاب

فعالیت نگارشی ۱ — صفحهٔ ۶۵ کتاب

شیوهٔ آغاز و پایان نوشته‌ها

پرسش:

- نوشته‌های زیر از بخش‌های آغازین و پایانی متن‌هایی انتخاب شده‌اند؛ آن‌ها را بخوانید و بگویید هر کدام، به چه شیوه آغاز و پایان نوشتهٔ خود را تنظیم کرده‌اند.

پاسخ:

شیوهٔ آغاز و پایان

نوشته	شیوه	دلیل
آغاز ۱ (باران ماهی)	با خبر	با یک خبر عجیب و غافل‌گیرکننده آغاز شده است: باریدن ماهی از آسمان.
آغاز ۲ (علاقه‌مندی)	با پرسش	با پرسش «به چه چیزهایی باید علاقه‌مند بود؟» آغاز می‌شود.
پایان ۱ (فصل‌ها)	با پرسش	با پرسش‌های «آیا نه این است که ...؟» خواننده را به فکر وامی‌دارد.
پایان ۲ (فردوسی)	با شعر	با نقل بیت‌هایی از فردوسی («نمیرم از این پس که من زنده‌ام ...») پایان یافته است.

فعالیت نگارشی ۲ — صفحهٔ ۶۷ کتاب

نوشتن با آغاز و پایان مناسب و انتخاب نام

پرسش:

- موضوعی را به دلخواه برگزینید و با یکی از شیوه‌های آغاز و پایان نوشته، متنی را دربارهٔ آن بنویسید؛ سپس نامی برای نوشتهٔ خود انتخاب کنید.

پاسخ:

موضوع: خواندن کتاب (آغاز با پرسش، پایان با مَثَل) ـ نام نوشته: پرواز با کتاب

آیا تا به حال بی‌آنکه از جایتان تکان بخورید، به آن سوی جهان سفر کرده‌اید؟ من هر شب با کتابم این کار را می‌کنم. کتاب، سفینه‌ای است که مرا از اتاقم به کوه‌ها، دریاها و حتی سیاره‌های دوردست می‌برد. گاهی با قهرمان داستان می‌خندم و گاهی برایش می‌گریم. وقتی کتاب را می‌بندم، دنیای من وسیع‌تر شده است. پس بیایید کتاب بخوانیم؛ چرا که گفته‌اند: «دانش را بخوان که توانا بود هر که دانا بود.»

irantooshe.ir

درست‌نویسی — صفحهٔ ۶۹ کتاب

جمله‌های ساده و کوتاه به‌جای فعل‌های مرکب

پرسش:

- جمله‌های زیر را ویرایش کنید.
- دانش‌آموزان در جشن پایان دورهٔ متوسطهٔ اول، حضور به هم رساندند.
- مدیر مدرسه، خاطرهٔ سی سال مدیریت خود را به رشتهٔ تحریر درآورد.

پاسخ:

- دانش‌آموزان در جشن پایان دورهٔ متوسطهٔ اول حاضر شدند.
- مدیر مدرسه، خاطرهٔ سی سال مدیریت خود را نوشت.

حکایت‌نگاری — صفحهٔ ۷۰ کتاب

بازنویسی حکایت «طبیب و نان سوخته» به زبان ساده

پرسش:

- حکایت را بخوانید و به زبان ساده بازنویسی کنید.

پاسخ:

> مردی نزد طبیب رفت و گفت: «چشمم درد می‌کند.» طبیب پرسید: «چه خورده‌ای؟» مرد گفت: «نان سوخته.» طبیب به غلامش گفت: «برای او داروی چشم بیاور.» مرد گفت: «چشمم درد می‌کند، دارو را برای چشمم می‌خواهم یا برای شکمم؟» طبیب گفت: «اگر چشمت روشن بود، نان سوخته نمی‌خوردی!»

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

درس ششم

قالبی برای نوشتن برگزینیم

از صفحهٔ ۷۱ تا صفحهٔ ۸۴ کتاب

فعالیت نگارشی ۱ — صفحهٔ ۷۹ کتاب

تشخیص قالب نوشته

پرسش:

- نوشته‌های زیر، بخشی از متن اصلی یک نوشته‌اند؛ آن‌ها را بخوانید و قالب هر کدام را مشخص کنید.

پاسخ:

قالب نوشته

نوشته	قالب	دلیل
۱ (سومین روز نمایشگاه کتاب)	گزارش	رویدادها و دیده‌ها و شنیده‌ها از نمایشگاه، همراه با گفت‌وگو با بازدیدکنندگان بیان شده است.
۲ (عزیز من، ...)	نامه (غیررسمی)	خطاب مستقیم به یک شخص و لحن صمیمی و عاطفی دارد.

irantooshe.ir

۳ (جایی که کوه بوسه می‌زند بر ماه)	داستان	مکان و شخصیت و فضای داستانی («در سرزمینی بسیار دور ...») دارد.

فعالیت نگارشی ۲ — صفحهٔ ۸۱ کتاب

نوشتن دربارهٔ یک موضوع در یک قالب نوشتاری

پرسش:

- موضوعی را انتخاب کنید و در یکی از قالب‌های نوشتاری بنویسید.
- کودکی من ـ یک روز از کلاس ـ جلسهٔ امتحان ـ هدف زندگی ـ نوجوانی ـ عاقبت فرار از مدرسه ـ پرواز بدون بال

پاسخ:

موضوع: کودکی من (قالب: خاطره)

کودک که بودم، هر تابستان به روستای مادربزرگم می‌رفتیم. صبح‌ها با صدای خروس بیدار می‌شدم و پابرهنه روی علف‌های خیس می‌دویدم. مادربزرگ کنار تنور می‌نشست و نان داغ را با پنیر و گردو به من می‌داد. یک روز در کوچه‌باغ گم شدم و تا غروب راه خانه را پیدا نکردم. وقتی از دور چراغ‌های روستا را دیدم و مادربزرگ را که نگران در حیاط ایستاده بود، دویدم و در آغوشش گریه کردم. هنوز هم طعم آن نان و گرمای آغوشش را فراموش نکرده‌ام.

درست‌نویسی — صفحهٔ ۸۳ کتاب

پرهیز از دو واژهٔ هم‌معنا

پرسش:

- جمله‌های زیر را ویرایش کنید.
- تخته وایت‌برد را برای معلم آماده کردم.
- ناهار ظهر را که خوردیم و بار و بندیل را جمع کردیم و راه افتادیم.

پاسخ:

- تخته سفید را برای معلم آماده کردم. (یا: وایت‌برد را ...)
- ناهار را که خوردیم و بار و بنه را جمع کردیم، راه افتادیم.

در جملهٔ اول «تخته» و «برد» هم‌معنا هستند و باید یکی حذف شود (واژهٔ فارسی را نگه می‌داریم). در جملهٔ دوم «ظهر» زائد است و «و» پیش از «راه افتادیم» جمله را ناقص کرده است.

مَثَل‌نویسی — صفحهٔ ۸۴ کتاب

بازآفرینی مَثَل «فضول را به جهنم بردند»

پرسش:

- مَثَل زیر را بازآفرینی کنید.
- «فضول را به جهنم بردند، گفت: هیزمش تر است.»

پاسخ:

روزی مردی کنجکاو که همیشه در کار دیگران سرک می‌کشید، از دنیا رفت. فرشته‌ها او را به جهنم بردند. هنوز در دروازه نرسیده بود که دید دود غلیظی بلند است. به‌جای ترسیدن، سر کشید و پرسید: «آتش‌تان چرا

irantooshe.ir

این‌قدر دود می‌کند؟ این هیزم‌ها خشک نیستند؟» نگهبان خندید و گفت: «ما هنوز او را نبرده بودیم، تو را برده‌اند و تو باز هم فضولی!» از آن روز، مردم دربارهٔ آدم‌های فضول می‌گویند: «فضول را به جهنم بردند، گفت: هیزمش تر است.» یعنی فضول در هر جا باشد، دست از دخالت در کار دیگران برنمی‌دارد.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

درس هفتم

وسعت و عمق نوشته را بیشتر کنیم

از صفحهٔ ۸۵ تا صفحهٔ ۹۶ کتاب

کار کلاسی — صفحهٔ ۸۸ کتاب

فهرست کتاب‌های خوانده‌شده و نکته‌های آموخته

پرسش:

- نام کتاب‌هایی را که تاکنون خوانده‌اید بنویسید و بگویید از هر کتاب چه نکته‌ای آموخته‌اید (۶ مورد).

پاسخ:

نمونه پاسخ

نام کتاب	نکته‌ای که آموختم
شازده کوچولو	مهم‌ترین چیزها را با چشم نمی‌توان دید و باید با دل نگاه کرد.
پیرمرد و دریا	انسان را می‌توان نابود کرد، اما شکست‌دادنش آسان نیست؛ پشتکار مهم است.
جاناتان، مرغ دریایی	برای رسیدن به آرزو باید از معمول‌ها فراتر رفت و بر ترس غلبه کرد.
کلیله و دمنه	با دوراندیشی و مشورت می‌توان از خطرها گذشت.
گلستان سعدی	آدمی باید در سخن‌گفتن و رفتار، راستی و مهربانی را رعایت کند.
سه تفنگدار	دوستی و وفاداری ارزشمندتر از شهرت و ثروت است.

این پاسخ نمونه است؛ کتاب‌هایی را بنویسید که خودتان خوانده‌اید.

فعالیت نگارشی ۱ — صفحهٔ ۹۲ کتاب

تأثیر مطالعه در گستردگی و عمق نوشته «ستایشگران خدا»

پرسش:

- نوشتهٔ زیر را بخوانید و نشان دهید کدام بخش از متن، تحت تأثیر مطالعات نویسنده، گستردگی و عمق بیشتری پیدا کرده است.

پاسخ:

بخش‌های متأثر از مطالعه

بخش	منبع مطالعه
حکایت شب‌زنده‌دار و شوریده‌ای که صدای بلبلان را شنید و به بیابان رفت	حکایتی از گلستان سعدی (ادبیات کلاسیک)
«یُسَبِّحُ لِلّهِ ما فِی السَّمواتِ وَ ما فِی الاَرض»	آیهٔ قرآن کریم (سورهٔ تغابن و جمعه، آیهٔ ۱)
«هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید ...»	شعر فارسی (نقل بیت)
«توحیدگوی او نه بنی‌آدم‌اند و بس ...»	شعر فارسی (نقل بیت)

irantooshe.ir

عبارت‌هایی مثل «قیام کوهساران، رکوع آبشاران، قنوت درختان، سلام غنچگان»

آگاهی از مفاهیم دینی و کاربرد آرایه‌های ادبی (تشخیص) در نتیجهٔ مطالعه

افزون بر این، نتیجه‌گیری پایانی («در حمد و ستایش آفریدگار از حیوانات، جمادات و نباتات عقب نیفتیم») حاصل درک و تحلیل مطالعات نویسنده است.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

فعالیت نگارشی ۲ — صفحهٔ ۹۳ کتاب

گستردگی و عمق بخشیدن به یک موضوع

پرسش:

- موضوعی را انتخاب کنید و با بهره‌گیری از اطلاعات و دانش خود، به آن گستره و عمق ببخشید.

پاسخ:

موضوع: صبر

صبر، کلید گشایش است. در شاهنامه می‌خوانیم که رستم برای رسیدن به کیکاووس از هفت‌خان گذشت و با صبر و استواری بر دشواری‌ها چیره شد. حضرت علی (ع) فرمود: «الصبرُ مفتاحُ الفَرَج» (شکیبایی، کلید گشایش است). مَثَل معروف هم می‌گوید: «صبر تلخ است، ولی برش شیرین است.» کشاورز دانه را می‌کارد و ماه‌ها منتظر می‌ماند تا خوشه برسد؛ اگر شتاب کند، محصولی نخواهد داشت. پس هر که در کار خود پایدار و شکیبا باشد، به آرزوی خود می‌رسد. آیا ما هم در کارهایمان به اندازهٔ کشاورز صبور هستیم؟

درست‌نویسی — صفحهٔ ۹۵ کتاب

کاربرد نادرست نشانه‌های ربط و متمم

پرسش:

- جمله‌های زیر را ویرایش کنید.
- او در خدمت مردم بود بلکه کمترین چشمداشتی نداشت.
- من مدیون به تو هستم و برای جبران، سعی‌ام را خواهم کرد.

پاسخ:

- او در خدمت مردم بود، بی‌آنکه کمترین چشمداشتی داشته باشد.
- من مدیون تو هستم و برای جبران، کوشش خواهم کرد.

«بلکه» برای رد جملهٔ پیشین به کار می‌رود (نه ... بلکه ...) و در این جمله نابجاست. «مدیون» با «به» نمی‌آید و متمم آن بدون حرف اضافه می‌آید.

تصویرنویسی — صفحهٔ ۹۶ کتاب

نوشتن دربارهٔ درختی با ریشه‌های در ابر

پرسش:

- درختی را با ویژگی‌های زیر تصور کنید و متنی دربارهٔ آن بنویسید: پا در هواست. ریشه‌هایش در ابر فرو رفته است. شاخه‌هایش روی زمین گسترده شده است.

پاسخ:

irantooshe.ir

درختی وارونه بود؛ پایش روی زمین نبود و ریشه‌هایش در دل ابرهای سفید فرو رفته بود. شاخه‌هایش مانند دست‌های مهربان، روی زمین پهن شده بودند و سایه‌ای آرام بر مردم می‌گسترد. هر بار که باد می‌وزید، ابرها شیره‌شان را به ریشه‌ها می‌دادند و درخت، قطره‌قطره باران بر دشت می‌افشاند. کودکان زیر شاخه‌هایش بازی می‌کردند و پرنده‌ها روی آن لانه می‌ساختند. می‌توانستم تصور کنم که این درخت، پیامی از آسمان برای زمین است: هر کس ریشه‌اش در بلندی‌ها باشد، سایه‌اش بر سر همه می‌گسترد.

درس هشتم

نوشته را ویرایش کنیم

از صفحهٔ ۹۷ تا صفحهٔ ۱۰۷ کتاب

فعالیت نگارشی ۱ — صفحهٔ ۱۰۳ کتاب

بخش‌های قابل ویرایش نوشتهٔ «نقش‌های ما»

پرسش:

- به نظر شما چه بخش‌هایی از نوشتهٔ «نقش‌های ما» قابل ویرایش است؟ آن‌ها را فقط مشخص کنید.

پاسخ:

بخش‌های قابل ویرایش

نوع خطا	نمونه‌ها
غلط املایی	«سحنه» ← صحنه؛ «شکت» ← شکست؛ «زنده‌گی» ← زندگی؛ «جوانردی» ← جوان‌مردی
نوشتار گفتاری (باید معیار شود)	«یه نوجوان» ← یک نوجوان؛ «یه آدم» ← یک آدم؛ «نیس» ← نیست؛ «بشه» ← بشود؛ «می‌شیم» ← می‌شویم
واژهٔ زائد و تکرار	«طویل و بزرگ وسیع و پهن» (چند صفت هم‌معنا)؛ «ما مجبوریم به پذیرفتن آن نقش‌ها» (تکرار)
نشانه‌گذاری	جاافتادن نقطه در پایان جمله‌ها (مانند «... را از یاد نبرند»)؛ فاصله‌های نادرست پیش از ویرگول و نقطه
ساختار نادرست جمله	«هنرمند واقعی کسی است که ... ایفای نقش کند» ← نقش خود را خوب ایفا کند؛ «ما بازیگر هستیم» ← ما بازیگریم؛ «گاهاً» ← گاهی

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

فعالیت نگارشی ۲ — صفحهٔ ۱۰۴ کتاب

ویرایش و پاک‌نویس نوشتهٔ طنز «هواپیما»

پرسش:

- نوشتهٔ زیر را ویرایش و سپس پاک‌نویس کنید.

پاسخ:

متن ویرایش‌شده:

شبی یک هواپیمای دوموتوره در آسمان نیوجرسی پرواز می‌کرد که ناگهان دستگاه مولد اکسیژن آن با صدای گوش‌خراشی منفجر شد. هواپیما پنج سرنشین داشت: ۱. خلبان؛ ۲. دالایی لاما (برندهٔ صلح نوبل)؛ ۳. شکیل

irantooshe.ir

اونیل (بازیکن مشهور بسکتبال در آمریکا)؛ ۴. بیل گیتس (طراح و رئیس سابق مایکروسافت)؛ ۵. یک جوان کم‌سن‌وسال.

هواپیما داشت سقوط می‌کرد که خلبان به قسمت مسافران پرید و گفت: «آقایان، هواپیما دارد سقوط می‌کند. ما فقط چهار چتر نجات داریم که یکی‌اش هم مال من است.» بعد در هواپیما را باز کرد و با چتر نجاتش بیرون پرید.

شکیل اونیل از جا پرید و گفت: «آقایان، من مشهورترین ورزشکار دنیا هستم و جهان به ورزشکاران بزرگ نیاز دارد؛ پس یکی از این چترها به من می‌رسد.» یکی از سه چتر باقی‌مانده را قاپید و خود را از در هواپیما بیرون پرت کرد.

همان موقع بیل گیتس با دستپاچگی از جا بلند شد و با حالت التماس گفت: «آقایان، من باهوش‌ترین آدم روی کرهٔ زمین هستم و دنیا به آدم‌های باهوش نیاز دارد.» بعد بسته‌ای را قاپید و از هواپیما بیرون جَست.

حالا فقط یک چتر باقی مانده بود. دالایی لاما و جوان کم‌سن‌وسال به هم نگاه کردند، اما چیزی نگفتند. سرانجام دالایی لاما گفت: «پسرم، من عمرم را کرده‌ام و شیرینی زندگی را چشیده‌ام؛ ولی تو هنوز جوانی. چتر نجات را بردار و بپر بیرون. من در هواپیما می‌مانم.» جوان کم‌سن‌وسال با خونسردی لبخندی زد و گفت: «غصه نخور، پدرجان! اکنون دو چتر نجات داریم؛ چون باهوش‌ترین آدم روی کرهٔ زمین، اشتباهی کوله‌پشتی مرا برداشت و بیرون پرید.»

اصلاحات انجام‌شده:

- غلط‌های املایی: اکسیژه ← اکسیژن؛ چطر ← چتر؛ احتیاز ← احتیاج؛ داالیی الما ← دالایی لاما؛ آقایون ← آقایان
- فعل نادرست: «منفجر کرد» ← «منفجر شد»
- یک‌دست‌کردن شمارهٔ فهرست و نشانه‌گذاری (نقطه، ویرگول، نقطه‌ویرگول، نشانهٔ پرسش و گیومه)
- نیم‌فاصله و جداکردن بندها: «کم‌سن‌وسال»، «باهوش‌ترین»، «دوموتوره»

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.

درست‌نویسی — صفحهٔ ۱۰۶ کتاب

پرهیز از جمله‌های بلند و دشوار

پرسش:

- جمله‌های زیر را ویرایش کنید.
- پس از نوشتن تکالیف فراوان درس ریاضی، سراغ خواندن شعر رفتم.
- به دلیل طولانی شدن سرمای فصل زمستان سرد امسال، آمدن بهار به تأخیر افتاد.

پاسخ:

- تکالیف ریاضی را که نوشتم، سراغ خواندن شعر رفتم.
- چون سرمای زمستان امسال طولانی شد، بهار دیر آمد.

جمله‌های کوتاه و ساده، درک مطلب را آسان می‌کنند؛ باید از کاربرد پی‌درپی «ـِ» اضافه پرهیز کرد.

حکایت‌نگاری — صفحهٔ ۱۰۷ کتاب

بازنویسی حکایت «عیادت» به زبان ساده

پرسش:

irantooshe.ir

- حکایت را بخوانید و به زبان ساده بازنویسی کنید.

پاسخ:

شخصی سنگین‌نشین به عیادت بیماری رفت و بسیار نشست. بیمار که از نشستن او خسته شده بود، می‌نالید. آن مرد پرسید: «چه دردی داری که این‌قدر می‌نالی؟» بیمار گفت: «از زیاد نشستن شما!»

این جواب ممکن است دقیق نباشد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت